

چهره روز

فیلم جدیدپوراحمد امروز کلید می خورد



● **شرق:** تازه‌ترین فیلم کیومرث پورااحمد به تهیه‌کنندگی علی قائم‌مقامی امروز کلید می خورد. اولین سکانس‌های «کفش‌های کو» امروز شنبه ۱۶ آبان در لوکیشن خارجی، در محله تجریش تهران کلید می‌خورد. فیلم‌نامه این فیلم که در آن بازیگرانی همچون رضا کیانیان، رژیا نونهالی، مجید مظفری، مینا وحید و بهاره کیان‌افشار به ایفا نقش خواهند پرداخت، توسط کیومرث پورااحمد و فرید مصطفوی نوشته شده است، موضوع اصلی این فیلم مهاجرت و آزاربیم است و دیگر عوامل آن را گروه زیر تشکیل می‌دهند: مدیر فیلم‌برداری: علیرضا زرین‌دست، طراح صحنه و لباس: مجید میوفخرایی، طراح چهره‌پردازی: مهرداد میرکبانی، نویسندگان فیلم‌نامه: کیومرث پورااحمد و فرید مصطفوی، صدابردار: آرش برومند، دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز: ایمان توکلی- منشی صحنه: محسن بهاری، مشاور پزشکی: دکتر مریم نوروزیان، عکاس: مهدی حیدری و تهیه‌کننده: علی قائم‌مقامی. پورااحمد پیش از این در سال ۹۲ «پنجاه قدم آخر» را با بازی بابک حمیدیان و طناز طباطبایی کارگردانی کرده بود.

زیر آسمان فیر وزمای

«تاکسی» جایزه تماشاگران بمبئی را گرفت

● **شرق:** فیلم «تاکسی» موفق به کسب جایزه ۱۹هزاردلاری تماشاگران فستیوال بمبئی ۲۰۱۵ شد. تماشاگران هندی با آنکه عادت به فیلم‌های ملودرام بالیوود دارند، تاکسی را شایسته دریافت این جایزه معرفی کردند.در مراسم اختتامیه،مریم‌مقدم که برای معرفی فیلم «احتمال باران‌های اسیدی»، ساخته بهتاش صناعی‌ها،بعنوان تنها نماینده سینمای ایران به‌جشنواره رفته بود، بنا به درخواست برگزارکنندگان جشنواره روی صحنه رفت و جایزه تاکسی را دریافت کرد.فیلم تاکسی توانسته بیش از یک میلیون تماشاگر را در قاره اروپا به سینما بکشاند و انتظار می‌رود این فیلم در قاره‌های دیگر هم تماشاگران را مجذوب خود کند.تاکسی، ساخته جعفر پناهی و برنده خرس طلای برلین، تاکنون موفق به دریافت پنج جایزه بین‌المللی شده که جایزه بمبئی دومین جایزه تماشاگران فیلم تاکسی بعد از جایزه تماشاگران فستیوال لوکزامبورگ است.

«ناهید» نماینده سینمای ایران درهالیوود

● **شرق:** فیلم سینمایی ناهید، به کارگردانی آیدا پناهنده، تنها نماینده سینمای ایران در فستیوال انستیتو فیلم آمریکا (AFI) خواهد بود که هرساله در فصل پاییز در هالیوود برگزار می‌شود و به نمایش فیلم‌های بین‌المللی از فیلم‌سازان برجسته دنیا و کارگردان نوظهور می‌پردازد. اسمال انستیتو فیلم آمریکا ۱۲۷ فیلم از ۴۵ کشور جهان را در پنج بخش اصلی به نمایش درمی‌آورد که مهم‌ترین و جذاب‌ترین بخش در این میان، بخش «سینمای جهان» این رویداد است که «ناهید» به‌عنوان تنها نماینده سینمای ایران با ۲۸ فیلم دیگر در این قسمت رقابت خواهد کرد.

انتقادمجیدی ازبرخی علمای کشورهای اسلامی

● **شرق:** درحالی‌که برخی مفتی‌های سعودی طی چندماه اخیر با آخرین ساخته مجیدی، به مخالفت پرداختند، این فیلم در بیروت نمایش داده شد. اکران ویژه این فیلم با احترام ایرانی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در لبنان و با حضور مجید مجیدی در سالن سینمای کلاسیک بیروت صورت گرفت. مجید مجیدی، کارگردان فیلم، گزارشی از اهداف و روند ساخت این فیلم ارائه کرد و گفت:«از برخی علمای کشورهای اسلامی باید سؤال کرد که چطور پیش از دیدن فیلم درباره آن قضاوت کرده‌اند».

شرق: هشتمین هفت نگاه، فروش سال هنرهای تجسمی، عصر جمعه بیست‌ودوم آبان در فرهنگسرای نیاوران آغاز به کار می‌کند. هفت نگاه با مشارکت گالری‌های آریا، الهه، گلستان، والی، هفت ثمر و ماه مهر با هدف رونق‌افزایی به اقتصاد هنر، ارائه آثار هنری اصیل و عرضه آثار هنری با قیمت‌های مناسب، چوان ۹ سال گذشته، این نمایشگاه تجسمی را با محوریت فروش برگزار می‌کند. لیلی گلستان، سخنگوی هفت نگاه، در خبر اولیه این رویداد به هنرآتلاین گفت: «در هشتمین هفت نگاه، از میان انبوه آثار هنری متقاضی، ۲۹۰ هنرمند منتخب شده‌اند که با نمایش بیش از ۳۸۰ نقاشی، نقاشیخط، طراحی و چاپ دستی که در میان آنها ۴۰ مجسمه هم حضوری پررنگ دارند مردم را به خرید اثر هنری دعوت می‌کند». بنا به گفته او، گروه هفت نگاه مانند هر سال کوشیده است ضمن ارائه آثاری با کیفیت خوب،

هشتمین ۷ نگاه با ۲۹۰ هنرمند می آید

قیمت‌هایی فوق‌العاده مناسب را پیشنهاد کند تا اقشار مختلف مردم به خرید آثار هنری ترغیب شوند. حضور سه نسل هنرمندان شاخص ایران در صدسال اخیر، عرضه آثاری با رویکردهای بسیار متنوع زیباشناختی و موضوعی و ص달یته معرفی استعدادهای تازه نقاشی و مجسمه‌سازی از دیگر خصوصیات هفت نگاه هشتم است که سخنگوی این گروه به آنها تاکید دارد.

هفت نگاه به لطف حمایت‌های مؤسسه رهنما، کانون انفورماتیک و جارسو کاتالوگ نفیسی هم خواهد داشت که در روز افتتاحیه انتشار خواهد یافت. گفتنی است اولین هفت نگاه، اسفند ۸۵ با حضور ۱۴۰ هنرمند در فرهنگسرای نیاوران برپا شده بود و اینک به‌عنوان نمادی از همگرایی گالری‌های تهران، تأثیر بسزایی در تشویق اقشار مختلف مردم به خرید آثار هنری داشته

واکنش‌ها به انتشار عکس نیوشا توکلیان روی جلد هفته‌نامه آمریکایی

تصاویری از ایران روی جلد «تایم»



گذشت که استفاده از واژه «اولین» یکی از ارزش‌های خبری است که اهمیت خبر را معمولاً در میان مخاطبان بیشتر می‌کند و این اتفاق در مورد این خبر نیز روی داد. برخی از کاربران در فضای مجازی با استناد به اینکه برای اولین‌بار اثری از یک عکاس ایرانی روی جلد تایم قرار گرفت، به انتشار صفحه اول این مجله هفتگی پرداختند. مجید سعیدی، دیگر عکاس ایرانی که جواز زیادی در رویدادهای خارجی گرفته و آثار او هم در نشریاتی همچون تایم منتشر شده، در مورد صحبت واژه «اولین» برای این خبر به «شرق» گفت: «همین دوماه قبل عکسی از حسن روحانی متعلق به یک عکاس ایرانی روی جلد مجله تایم قرار گرفت. پیش از این هم بارها عکس‌های ایرانیان روی جلد منتشر شده است به‌عنوان مثال دوبر عکس‌های عطا طاهرکنار، سه، چهاربار هم عکس‌های رضا دقتی و آلفرد یعقوب‌زاده و چندبار هم عکس‌هایی از جواد قمیعی، بهروز مهری و محمد فرنود روی جلد مجله انتشار یافته‌اند. در زمان



عکس جلد از نیوشا توکلیان

امروز به او می‌دهد و دورنمایی که او تصور کرده و از آن با عنوان «ایران ۲۰۲۵» یاد کرده، هیجان‌زده شده است. انتخاب تصویری با پس‌زمینه ساختمان‌های مدرن و دختری با لباس‌هایی نزدیک به طیف وسیعی از دهه ۷۰ در راستای همین هیجانات است». هرچند برخی از نظرات خوانندگان این رسانه سمت‌وسویی دیگر دارد و برخی از آنها اظهار کرده‌اند، این تصویرها فضایی تاریک از ایران امروز ارائه می‌کند اما آنچه در این خبر آمده، ذکر این موضوع بوده است که برای اولین‌بار اثری از یک عکاس ایرانی روی جلد این مجله قرار گرفته: «اینکه یک عکس از عکاسی ایرانی روی جلد این مجله منتشر شود، واقعه‌ای بی‌سابقه بود و تاکنون هیچ تصویر ثبت‌شده‌ای توسط عکاسان حرفه‌ای ایران نتوانسته صفحه نخست این رسانه را تسخیر کند؛ اما امروز بالاخره این اتفاق به نام یک ایرانی ثبت شد».با اینکه بسیاری از عکاسان ایرانی تاکنون عکس‌هایشان در این مجله و بسیاری دیگر از رسانه‌های معتبر منتشر شده اما نباید از این واقعیت

واکنش‌ها به انتشار فهرست کمک فارابی به فیلم‌سازان

رعایت عدالت در حمایت

احمدیان جلسه گذاشتیم. ایشان فیلم‌نامه «هم‌نام» را پسندیدند که البته همیشه از فیلم‌های ما حمایت کرده‌اند. معتقدم اصلاً پیگیری‌ها و لطف ایشان بود که باعث شد وام به فیلم‌مان تعلق بگیرد. البته این وامی که ما دریافت کردیم یک ششم کل بودجه فیلم است! کارگردان فیلم «ارغوان» نظر خود را درباره نحوه حمایت دولت چنین ابراز کرد: «به نظر روش حمایت دولت از فیلم‌ها اگر این‌گونه باشد خوب است. اینکه سلاک را کیفیت بالای فیلم در نظر بگیریم تا فیلم‌هایی که واجد ارزش‌های هنری هستند از این حمایت برخوردار شوند. حتما می‌دانید با این برآوردهای سرسام‌آور و هزینه‌های سنگین فیلم‌سازی به‌راحتی نمی‌توان فیلم ساخت. به‌طور کلی منظور فیلم‌هایی است که لیاقت دریافت وام را دارند. چون اگر به فهرست سازمان‌هایی مثل بنیاد سینمایی فارابی، مرکز گسترش سینما مستند و تجربی، سازمان فرهنگی-هنری شهرداری، حوزه هنری و... نگاه کنیم، می‌بینیم که در شش، هفت سال گذشته فقط به تعداد معدودی از تهیه‌کنندگان وام داده‌اند. فقط چندین تهیه‌کننده هستند که همیشه بودجه زیاد نصیبشان می‌شود. چون این تهیه‌کنندگان در درجه نخست به سود خودشان فکر



و مجموعه‌دارانی جوان را به جامعه تجسمی اضافه کرده است. هشتمین هفت نگاه از بیست‌ودوم آبان در فرهنگسرای نیاوران آغاز به کار می‌کند و تا ششم آذر دایر خواهد بود.

واکنش‌ها به انتشار عکس نیوشا توکلیان روی جلد هفته‌نامه آمریکایی

تصاویری از ایران روی جلد «تایم»

جنگ ایران و عراق نیز عکس‌های دقتی، کاوه کاظمی یا در زمان زلزله عکس‌هایی از عطا طاهرکنار چاپ شده بود حتی دوبر عکسی از رضا دقتی و آلفرد یعقوب‌زاده با موضوع‌های غیر از ایران مانند جنگ لبنان روی جلد این نشریه منتشر شده است». او افزود: «مجله تایم هم مثل بقیه مجلات دنیااست اما به دلیل اینکه در زمان جنگ ایران و عراق نیوزویک و تایمز وارد ایران می‌شدند، مردم ما علاقه زیادی به آنها دارند و چنین تصویری پیش آمده است که تایم یک مجله خاص است. درحالی‌که این هفته‌نامه در مناطق مختلفی از دنیا مانند ژاپن، اروپا و آمریکا چاپ می‌شود که هرکدام عکس و تیتیر روی جلد جداگانه‌ای دارند. این شماره تایم نیز که در مورد ایران است متعلق به تایم آمریکاست منتها به نظر می‌رسد در مورد این مجله در ایران بزرگ‌نمایی شده و رسانه‌ها باید در انتشار خبرها واقع‌گراتر باشند». سعیدی درباره دلیل استقبال ایرانیان از این شماره تایم گفت: «البته من تمام گزارش مجله تایم در مورد ایران را نخوانده‌ام در یک نگاه کلی به نظر آمده که عکس‌ها و گزارش ربطی بهم ندارند. گزارش در مورد آینده ایران است و می‌شد عکس‌های دیگری از خود این عکاس یا عکاسان دیگر برای این گزارش استفاده کرد اما به‌هرجهت تایم در برهه‌ای به ایران پرداخته که بعد از انجام مذاکرات هسته‌ای است و خواه‌ناخواه اقبالی برای دوستداران روابط خوب میان ایران و دیگر کشورها به‌شمار می‌رود. در نتیجه چنین گزارش‌هایی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد». او ادامه داد: «نیوشا توکلیان از جمله عکاسانی است که با این نشریه کار می‌کند درحالی‌که دسترسی تایم به عکاسان ایرانی محدود است مخصوصاً که در همین مدت اخیر بحث‌هایی در مورد نفوذ آمریکا در ایران به وجود آمده و به‌همین‌دلیل برخی از عکاسان برای جلوگیری از سوءتفاهم‌هایی که ممکن است پیش بیاید، ترجیح می‌دهند با نشریات خارجی همکاری نکنند».

و با گرفتن وام‌ها سود خود را تضمین می‌کنند. حتی اگر فیلم‌شان هم اکران نشود، دچار ناراحتی نمی‌شوند! در مورد فیلم «هم‌نام» این مبلغ وام ناچیز است و بقیه بودجه را باید من و آقای بنکدار تهیه کنیم». این کارگردان ضمن تاکید بر عدالت توزیع امکانات، خواستار مدون‌شدن قانونی برای کمک به سینماگران شد و عنوان کرد: «اصولاً هر جا که رانت وجود دارد، فسادآور است. به نظر بهتر است دولت در قانون مشخص به بخش خصوصی کمک‌های خود را ارائه دهد تا فقط معدودی از سینماگران از بودجه دولتی استفاده نکنند. معتقدم چون فیلم‌های متعلق به بخش خصوصی با دستمزدهای کمتری ساخته می‌شوند، در نتیجه بودجه فیلم پایین‌تر می‌آید و اگر هم در شرایط مناسب اکران شوند، می‌توانند به‌راحتی به سرمایه خود برسند». احمد میرلایی، مدیرعامل اسبق بنیاد سینمایی فارابی درباره انتشار آمار گفت: «من این آمار را نه رد می‌کنم نه تایید. تنها پیشنهادی که دارم این است که به تنوع آثار انگار مراکز اصلی آموزش کشور، در مقابل تدوین فیلم‌سازان با گرایش‌های مختلف ساخته شود تا تشخیص سینما حفظ شود. چون جایی مثل بنیاد سینمایی فارابی متعلق به همه فیلم‌سازان است. به همین‌دلیل در دورانی که در فارابی حضور داشتم، بخش فرهنگی را بیش‌ازپیش فعال کردیم. چون برخی از فیلم‌سازان بودند که وام نمی‌خواستند. فقط تمایل داشتند فیلم‌نامه‌شان خوانده شود و نظرات کارشناسان را جویا شوند و به بهترشدن فیلم‌نامه‌شان کمک شود».

امجد، نمایش نامه‌اش را روخوانی می‌کند

از برنامه‌های جلسات نمایش‌نامه‌خوانی «پنج شب نمایش‌نامه‌خوانی» روخوانی شود. دیگر هنرمندانی که در این پنج شب به نمایش‌نامه‌خوانی خواهند پرداخت، فرهاد آیش، نادر برهانی‌مرند، محمد چرمشیر و محمد رحمانیان هستند.این هنرمند تئاتر درباره به‌صحنه‌بردن نمایش‌نامه دیگرش؛ «سه خواهر و دیگران» که مدتی است، مذاکراتی برای اجرای آن در تالار چهارسو مجموعه تئاترشهر انجام شده است، توضیح داد: از سال گذشته تاکنون مدام گفته‌ام این نمایش‌نامه نیازمند سالن بزرگی است و نمی‌توان آن را در تالار چهارسو اجرا کرد. هربار که صحبت اجرای این نمایش شده، من این موضوع را گفته‌ام و مدیران هم اعلام کرده‌اند که تالار اصلی برنامه‌ای برای اجرا ندارد.

چسب و قیچی

یقه‌چه‌کسی را بگیرم؟



● **مهرداد احمدی‌شیخانی**

● در آن ایامی (منظور نیمه‌های دهه ۷۰ است) که دیگر استفاده از جعبه جادویی به نام کامپیوتر برای انجام کارهای گرافیک، امری قطعی شده بود، «چسب و قیچی» اجرا کرده بودند، تغییر وضعیت بسیار دشوار می‌آمد. مقاومت‌ها هم بی‌نتیجه بود یا باید از این حرفه کنار می‌رفتیم (که عده‌ای رفتند) یا باید دست نیاز به‌سوی کسانی که توانایی کار با این جعبه را داشتند دراز می‌کردیم (که برخی چنین کردند و هنوز تعدادی به‌ناچار چنین‌اند) یا با هر مشقّتی که بود می‌پذیرفتیم که زمانه تغییر کرده و این جعبه، بخوابیم یا نخواهیم، همه‌چیز را تغییر خواهد داد که داده است. بنابراین بسیاریمان «چسب و قیچی» را کنار گذاشتیم و به کامپیوتر متوسل شدیم. مشکل اما جایی بود که نمی‌داستیم چطور با این جعبه کار کنیم. کلاس‌هایی بود دوره‌هایی که اغلب مدرسانش، متخصصان کامپیوتر بودند و جوری تدریس می‌کردند که انگار قرار است ما تعمیرکار کامپیوتر بسا نصب‌کننده نرم‌افزار شویم. بعضی هم جوری درس می‌دادند که انگار اموال پدرشان را می‌خواهند بدل‌وبخشش کنند، درسیان که تمام می‌شد، ما کیج‌تر از شروع، برمی‌گشتیم. کتاب‌هایی هم که بود، توسط افرادی مانند همین مدرسان دست‌نخورده بود و ما کیج و گول در بین کلماتش دست‌نپوا می‌زدیم. آخرش تصمیم من و همسرم این شد که با هر بدیختی‌ای که هست خودمان یاد بگیریم و برای آنکه آنچه یاد گرفته‌ایم فراموش نشود، به زبان آدمیزاد برای خودمان، مرحله‌به‌مرحله، همه‌چیز را بنویسیم و همان‌ها را که نوشتیم به‌دیم دست دانشجویانمان تا آنها هم اگر به کارشان می‌آید استفاده کنند.

آن‌موقع‌ها یک نرم‌افزاری بود به نام «فری‌هند» که تا چندسال پیش هنوز استفاده داشت. اولین کتابی که بر این سیاق نوشتیم درباره این نرم‌افزار بود. تمام که شد، به یکی از دانشگاه‌ها دادیم و گفتیم حالا که استفاده از این نوشتار ناگزیر است و منابع آموزشی‌ای در دسترس نیست و یا اگر هم هست براساس نیازهای یک گرافیست تدوین نشده، این کتاب مال شما؛ برای استفاده دانشجویان منتشرش کنید. کتاب را گرفتند و گفتند بررسی می‌کنیم و آن را دادند- به گروه کارشناسی که بررسی‌کنند. تا آنجا که اطلاع داشتم، در گروه کارشناسی‌شان حتی یک نفر که بنا برنم‌افزارها آشنایی تخصصی داشته باشد، وجود نداشت. ولی قبول کردیم. دوسال بعد جواب دادند که گروه نظر داده که این نرم‌افزار قدیمی است و به کار نمی‌آید! جواب دادیم بله! الان بعد از دوسال این نرم‌افزار دیگر قدیمی است، ولی دوسال پیش که به شما تحویل دادیم جدید بود! کتاب را برای ورزن جدید

همان نرم‌افزار دوباره نوشتیم و خودمان منتشر کردیم و جالب اینکه مدرسان همان دانشگاه کتاب را برای تدریس به دانشجویانشان معرفی کردند و به‌مرور در دانشگاه‌های دیگر هم همین اتفاق افتاد. ماجرای کتاب‌های بعدی هم چنین شد. گفت‌وگوها برای انتشار، از طرف دانشگاه به نتیجه نمی‌رسید اما وقتی خودمان منتشر می‌کردیم تبدیل به منبع درسی می‌شد. بنابراینکه مشکلی با خود ما یا با کتاب داشته باشند، نه اصلاً! انگار خرچ‌دنده‌های تصمیم‌گیری در چنین مراکزی روغن نخورده است. برای نمونه هنوز در شرح درس‌های رشته گرافیک برای مقطع کارشناسی، آموزش نرم‌افزارهای گرافیک ترغیب روشنی ندارد و دانشجو، خودش باید هرطور شده و از هر منبعی که می‌تواند و با هر بدیختی‌ای، یک چیزی یاد بگیرد. انگار وضعیت با آن‌موقع که ما از سر ناچاری به این جعبه رو آوردیم تفاوتی نکرده است. وضعیت به‌گونه‌ای است که انگار مراکز اصلی آموزش کشور، در مقابل تدوین آموّش‌های کاربردی که عملاً به کار انجام گرافیک بیاید مقاومت می‌کنند و هیچ متن کاربردی مشخصی را برای استفاده منتشر نمی‌کنند. این وضعیت برای همه دروس صادق است. وزارت علوم، به این گسترده‌گی و با این‌همه ید و بیضا، هنوز یک متن مدون کاربردی برای یکی از درس‌های گرافیک منتشر نکرده است. نرم‌افزارها که جدیدتر هستند به‌جای خود، برای دروسی مثل «صفحه‌آرایی» یا «طراحی پوستر» هم متن آموزشی مدون ندارند. هیچ مرکز آموزشی‌ای، چه خرد و چه کلان نمی‌تواند ادعا کند که بی‌نیاز از متن آموزشی است، که اگر بود، کتاب‌های آدم کم‌بضاعتی همچون من، برای مدرسان مختلف تبدیل به متنی قابل‌استفاده نمی‌شد. اگر مراکز دانشگاهی، از مدرسان کارکنسته‌ای که در اختیار دارند بهره می‌گرفتند و به تدوین کتاب‌های درسی کاربردی می‌پرداختند، آیا الان رشته گرافیک این‌قدر از داشتن کتاب‌های درسی بی‌بهره بود؟ آیا ازدست‌دادن استادانی همچون مرضی ممیز، بدون تدوین تجربیات عملی‌شان در انجام مرحله‌به‌مرحله یک اثر گرافیک، برای این رشته تحصیلی ضایعه نیست؟ چند استاد بی‌بدیل دیگر را باید از دست به‌هیمت تا بفهمیم چه چیزی را داریم از دست می‌دهیم؟ این وسط یقه چه کسی را باید گرفت؟ استادی که نمی‌نویسد یا مرکزی دانشگاهی که اهمیت نمی‌دهد؟